

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اتریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۴ مهر ۱۳۶۳ برابر با ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۲۵

به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

کارنامه جمهوری اسلامی در مراکز آموزشی، سیاه و فنگین است

وضعیت کنونی آموزش، در تمام سطوح ابتدایی، متوسطه و عالی آنرا در یک کلام می توان فاجعه نامید. عملکرد عامل جمود فکری و ابتذال اندیشه سرمداران جمهوری اسلامی در هماهنگی با سیاست خدیت با مردم و خمدلت سردوئری، در محیطهای آموزشی، بدلیسل نشور بیفکنیم.

روز اول مهر ماه مصادف با آغاز سال تحصیلی است. علاوه بر مدارس مطابق اعلان تقویم دانشگاهی، کلاسهای دانشگاه ها نیز در این روزها گشوده خواهند گشت. بی مناسبت نیست در آغاز سال تحصیلی ۶۴-۶۳ نگاهی به وضعیت عمومی آموزشی و محیطهای آموزشی نشر بیفکنیم.

مرگ بر جنگ! زنده باد صلح!

در این هفته، آغاز پنجمین سال جنگ توسط مرتجعین حاکم جشن گرفته می شود. چهار سال خون و درد و ویرانی، چهار سال آوارگی و فلاکت برای توده های مردم توسط آنانی که این جنگ مصیبتبار را رخصت و نعمت الهی می دانند جشن گرفته می شود. اما مردم با اندوه فراوان و شماره کردن آن همه رنجهایی میپردازند که در این سالهای طولانی جنگ متحمل گشتند. و قتیکه در آن روز پایان تابستان ۵۹ هواپیماهای عراقی با پرواز بر فراز تهران و دیگر شهرهای ایران و با پرتاب بمب و راکت آغاز جنگ را اعلام داشتند، همان میرفت که جنگ این در صفحه ۲

نامه یک کارگر:

“این دولت نوکر مستکبران است، نه حامی مستضعفان!”

وزیر خارجه پاکستان:

“هدف نهایی ایران و پاکستان یکی است”

متفق سازد و مجدداً برای استراتژی جهانخوارانه خویش نقش ویژه ای به ایران واگذارد. آمریکا تا کنون در پیشبرد این توطئه موفق بوده است و هر چه که می گذرد بیشتر از ثمرات آن بهره می گیرد.

دیدار اخیر صاحب زاده یعقوب خان از ایران در روزهای ۲۰ و ۲۱ شهریور ماه نشان داد که چه سان پاکستان ماموریت محوله را انجام می دهد و جمهوری اسلامی، بقیه در صفحه ۹

بعد از انقلاب بهمن ۵۷ و سقوط رژیم شاه، آمریکا یکی از وفادارترین دولت های دست نشانده خود را از دست داد. و از همین رو بلافاصله دست به کار شد تا خلا به وجود آمده در منطقه را با جایگزین ساختن ضیاء الحق به جای شاه معدوم، پر کند. آمریکا با توجه به تقابل جمهوری اسلامی با افغانستان انقلابی پی برده بود که با محور کردن مساله افغانستان در منطقه خیلی سریع می تواند به این هدف نیز دست یابد که رژیم حاکم بر مین ما را با پاکستان

از پناهندگان سیاسی ایرانی در پاکستان، پشتیبانی کنیم

اقامت داشته باشند، فشار بیشتری اعمال شود. برخی از آنها حتی به ایران عودت داده شده اند و به تیغ جلاخان جمهوری اسلامی گرفتار آمده اند. بقیه بدون داشتن پول، سرپناه و خوراک، در حالی که برای کوچکترین حرکتی مجبورند یا رشوه های کلان بپردازند و یا راهی زندان شوند، در انتظار سرنوشتی نامعلوم، در این کشورها بقیه در صفحه ۳

جنایات رژیم جمهوری اسلامی، باعث آوارگی تعداد بسیاری از هم مینان ما گشته است. پناهندگان سیاسی ایرانی، بیژنه در کشورهای ترکیه و پاکستان در شرایط بسیار اسفباری به سر می برند. گسترش همکاری جمهوری اسلامی با ترکیه و پاکستان باعث گشته است دم به دم بر روی پناهندگانی که ناچارند، در کوتاه مدت یا دراز مدت در این کشورها

در صفحه ۳ اعلامیه مشترک
حزب توده ایران
و حزب کمونیست عراق

انعکاس مواضع سازمان
در مورد جنگ،
در نشریات مترقی

در صفحه ۷

اوج گیری پیکار مردم فیلیپین در راه سرنگونی دیکتاتوری مارکوس

سیاسی، نظامی و اقتصادی هرچه بیشتر به امپریالیسم آمریکا فرو برده است. آمریکا در فیلیپین ۲۱ پایگاه نظامی دارد، که مهمترین آنها پایگاه هابه هوایی اتی "کلارک" در شهر بقیه در صفحه ۱۰

فیلیپین، کشوری که از مجمع الجزایری واقع در جنوب خاوری آسیا واقع شده و ۵۰ میلیون تن جمعیت دارد، این روزها دستخوش ناآرامی است. ۱۹۰ سال حکومت مارکوس، دیکتاتور فیلیپین، این کشور را در ورطه وابستگی

در صفحه ۹

ابراز همبستگی
بامبارزات مردم ایران
در جشنهای محلی
حزب کمونیست فرانسه

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

مرگ بر جنگ!

بقیه از صفحه اول
همه دیرپا شود. اما همه میدانستند که در قبال آن چه باید کرد. یکپارچه بی تردید به مقابله با آن برخاستند و با همه آنچه که داشتند در راه حفظ انقلاب و میهن بپا خاستند در جبهه و کارخانه، در روستا و مدرسه، در خیابان و اداره چنان عزم استواری در راه دفع تجاوز دیده میشد که نمایی برای پایداری متجاوزین برجا نمیگذاشت. از این رومردم مطمئن بودند که جنگ و تجاوز پر دام نخواهد بود و اراده مصمم مردم صلح را تأمین خواهد کرد. اما اکنون پس از گذشت ۴ سال، مردم شاهدند که با وجود دفع قهرمانانه تجاوز، عفریت جنگ همچنان نفیر می کشد، همچنان جوانان کشته میشوند، همچنان ویرانی بی‌بار می آید و همچنان شمره رنجشان را در دیده و هیمة شعله روماندن آتش جنگ می سازند.

با مقاومت پرشکوه مردم برای اینکه تجاوز آمریکایی رژیم عراق دفع شود، به زبان بسیاری احتیاج نبود. اگر حکومت شایستگی بسیج مردم متحد را میداشت، دفع تجاوز بسیار زودتر از آن زمانی که انجام شد، صورت می‌یافت. اما با وجود ناتوانی حکومت و با وجود تشتتی که ارتجاع در درون صفوف خلق پدید می آورد و ... بازهم پس از یکسال و نیم متجاوزین رانده شدند و شرط اصلی برقراری صلح تأمین گردید.

در اوائل سال ۶۱ با فتح خرمشهر، مردم میهنان صلح و پیروزی را در مشت خود میدیدند. سرور فتح خرمشهر با سرور امید به برقراری صلح درهم آمیخت. اما رهبران جمهوری اسلامی همچنان بر تداوم و گسترش

زنده باد صلح!

چون آمیز جنگ پای فشردند. در طول دو سال و نیم بعد از فتح خرمشهر سردمداران حکومت حملات گسترده و متحدی را به حساب مردم طراحی و اجرا کردند که همه آنها به شکست انجامید. در پی هر حمله موجی از دروغ‌های مکرر در اثبات "پیروزی‌های لشکر اسلام"، "عوام‌پرستی در توجیه شکستها"، "عده برای حمله آخر و تمام کننده و ... و نتیجه‌اش جنازه ده‌ها هزار جوان بود، افکنده در باطل‌ها و بیابانهای نواحی مرزی، مرتجعین بر فراز این مصائب و فجایع راه خود را هموار می کردند و کیسه حوشر را می دوختند. آنان از همان آغاز پائیز ۵۹ کوشیدند کار سرکوب آزادی‌های دموکراتیک را به بهانه جنگ شتاب دهند. ارتشهای سرکوبگر و تازه پای حکومتی را که چندان فرمان نبودند، تجدید سازماندهی کرده و به ابزارهایی بی شعور و اراده بسدل سازند. آنان کوشیدند که مصوبات مربوط به اصلاحات ارضی را که با فشارهای عظیمی تحمل شده بود معطل گذارند تا سرآغاز تدفین همه برناهمایی شود که میبایست برای مهار بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری انجام میشد. و باز با آجریایی از خون و درد مردم کوشیدند دیواری بپازند که در رجا مناسبات و معاملات خارجی جمهوری اسلامی تدریجا از دیدوده‌ها پنهان ماند تا زمینه چرخش آن بسود مرتجعین فراهم آید و چنین نیز شد. برای تأمین تسلیحات آمریکایی که "از آن شب و اجپتر" نامیده شد راه مغازه با "شیطان بزرگ" گشوده گشت، غارتگری تجار بزرگ و البته "محتسرم" و سودهای حاصله از شرایط جنشی آن چنان عظیم و ارقام آن نجومی بود که حتی دیگر

مرتجعین را به تحیر واداشت. از زبان همانها بود که اعلام گشت سود تجار بزرگ در ایران — چند ساله با اندازه همه آن سودی است که در طول سلطنت پنجاه ساله پهلوی برده بودند و ...

چگونه مرتجعین می توانستند از چنین خزان نعمتی دل بکنند؟ هر قطره خونی که بر زمین می ریخت، هر جوانی که برخاک می غلتید و هر بمبی که فرو می افتاد، سود بیشتری نصیب تجار محترم می کرد و باعث خشنودی بیشتر مرتجعین حاکم که قدرت خود را وابسته به جنگ می دیدند، می گشت. و از همینرو هر دهانی را که فریاد صلح می کشید پر از سرب گردید، هر دریچه‌ای را که به سوی صلح گشوده می شد، خشمگینانه بستند و موافق امیال امپریالیسم، رساتر بر طیل جنگ کوفتند.

رژیم جمهوری اسلامی سرنوشت خود را با سرنوشت این جنگ گره زده است. آنچنانکه بنیانگزاران می گوید "عزت و شرف ما در گروی این جنگ است" و این سخن سخن درستی است چرا که قطع جنگ بخشی از بی عزتی و بی شرافتی عظیمی را که در تداوم این جنگ ویرانگر بکار رفت عیان می سازد. بخش‌های از "بی عزتی و بی شرافتی" رژیم در جریان اصرار آن بر تداوم جنگ آشکار گشته و در صورت قطع جنگ اظهار می‌نماید که مبارزه بی‌گیر برای برقرار صلح ضمن اینکه در درجه اول پاسخی است به مصایبی که مردم میهن ما متحمل می‌شوند از این راه نیز اهمیت بسیار دارد.

این شعار را هر چه وسیعتر به میان مردم ببریم، از درون سربازخانه‌ها و سنگرها گرفته تا صفهای طویل پرگوشت و نان، این فریاد را در فضای غم گرفته میهنان طنین افکن سازیم:

مرگ بر جنگ! زنده باد صلح!

هم میهن!

ادامه این جنگ برای توهیج سودی ندارد. سود جنگ به جیب کمپانیهای اسلحه سازی غرب و تجار بزرگ بازار می رود. ادامه این جنگ خانمانسوز کشور ما را ویران و جانهای عزیز فرزندان و خویشان تو را بیشتر بر باد می دهد. علیه ادامه این جنگ مصیبت بار و برای بازگرداندن صلح به میهنمان، با همه توان بکوشیم.

صلح صلح استقلال

صلح صلح آزادی



اعلامیه مشترک حزب توده ایران و حزب کمونیست عراق

اواخر اوت ۱۹۸۴ (اوایل شهریور ۱۳۶۳)
مذاکراتی بین هیئت نمایندگی حزب توده ایران و حزب کمونیست عراق بعمل آمد. در این دیدار وضع سیاسی جهان، خاور نزدیک، اوضاع دو کشور و روابط دو حزب مورد مذاکره قرار گرفت. مذاکرات در محیطی صمیمی و رفیقانه که حاکی از توافق نظر طرفین بود برگزار شد. اعلامیه مشترکی از طرف دو حزب به تصویب رسید، که در آن گفته می شود:

"خلفای کشورهای ما، عراق و ایران در نتیجه جنگ آغاز شده از جانب رژیم عراق که به پنجین سال خود نزدیک می شود، دچار مصائب و فجایع دشتناکی گردیده اند. این جنگ تا کنون برای خلفای دو کشور صدها هزار کشته و صدها هزار مجروح و غلیل به بار آورده است. جنگ بر اقتصاد دو کشور عذیباً لطمه زده، دهها واحد مهم اقتصادی را که برای ایجاد آنها مدت ها وقت و تلاش فراوانی بکار رفته بود ویران کرده است. منابع هسردو کشور که مورد نیاز خلفای ما در امر سازندگی و رفح عقب ماندگی است، همچنان رویه نابودی می رود. دردهای اجتماعی و سطح دائماً در حال تنزل زندگی بدنبال گرانی تورم و کمبود بسیاری از کالاهای ضروری، از نتایج دیگر این جنگ است."

از این جنگ که چهارمین سالش پایان رسیده است، تنها امپریالیسم جهانی، در رجه اول امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و ارتجاع از جمله رتجاع ایران و عراق سود می برند این محافل سعی در فرسایشی کردن و گسترش جنگ در سرتاسر ناحیه خلیج فارس را دارند و این امروکروه های را در معرض خطر تجاوز خارجی از طرف نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا و ناتو قرار داده است هر دو حزب ما، بار دیگر قاطعانه طلب

می کنند که به جنگ و مصائب و بدبختیهای که جنگ برای خلفای ما ببار می آورد، هر چه سریعتر، پایان داده شود.
مسئولیت در قبال سرنوشت و منافع خلفای همسایه ایران و عراق می طلبد که بین دو کشور بر مبنای توافقی عادلانه و دمکراتیک، بسدودن الحاق سرزمینهای یکدیگر و بر پایه قبول مرزهای بین المللی موجود تا آغاز جنگ و براساس احترام به حق حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و حقوق خلفای دو کشور در انتخاب نظام اجتماعی - سیاسی موافق میل و اراده خود، به این جنگ پایان داده شود."

در اعلامیه هیئتهای نمایندگی همبستگی مشترک دو حزب برادر را چنین بیان می کنند: "حزب کمونیست عراق کارزار تضییقات و تسرور را علیه حزب برادر، حزب توده ایران قاطعانه محکوم کرده و همبستگی کامل خود را در مبارزاتش بخاطر اهداف عادلانه اعلام می نماید."
"حزب توده ایران همبستگی کامل خود را با حزب برادر، حزب کمونیست عراق، که با وجود تضییقات و ترور خونین، بخاطر تحقق اهداف عادلانه خود مبارزه می کند، ابراز داشت."

هر دو حزب ضرورت تشدید مبارزه علیه نقشه های امپریالیسم در منطقه که با هدف تسلط کامل و تحمیل اراده از طریق توطئه های رنگارنگ و پیش از همه مداخله آشکار نظامی دنبال می شود، خاطر نشان ساختند. ناوگان جنگی کشورهای امپریالیستی در آبهای خاور نزدیک، در خلیج فارس و دریای احمر در رفت و آمدند و صلح و امنیت خلفای منطقه و صلح جهانی را بمخاطره افکنده اند.

هر دو حزب کارزار ضد شوروی را که توسط محافل امپریالیستی به منظور دامن زدن به هیستری ضد کمونیستی و استفاده از آن بمشابه

سلح تجاوز بر ضد خلفا و کشورهای منطقه بکار می رود، قاطعانه محکوم می کنند.
هر دو حزب همبستگی کامل خود را با مبارزه خلق فلسطین تحت رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، علیه امپریالیسم صهیونیسم بخاطر تحقق حق بازگشت به موطن خود، حق تعیین سرنوشت و تشکیل کشوری مستقل اعلام کردند.

هر دو حزب جانبداری خود را از مبارزه مردم لبنان و نیروهای میهن دوست این کشور بخاطر آزادی سرزمینهای اشغال شده خود از طرف اشغالگران اسرائیلی و نیز بخاطر تحقق برنامه توافق ملی بیان داشتند.

هر دو حزب پشتیبانی خود را از پایداری سوریه در مقابل فشارهای امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، صهیونیسم و ارتجاع اعلام داشتند. هر دو حزب نگرانی خود را از تشدید وخامت اوضاع جهانی که در نتیجه مشی سلطه گرانه امپریالیسم آمریکا از اواخر دهه ۷۰ و جانشین ساختن سیاست مقابله و جنگ، بجای سیاست تشنج زدائی و همزیستی، مسالمت آمیز، فراهم آمده است، ابراز داشتند.

مبارزه بخاطر صلح و وظیفه عده همبستگی کمونیست ها و همه بشریت مترقی در جهان است. کشورهای سوسیالیستی و پیشاپیش آنها اتحاد شوروی در مقابل تجاوز داری امپریالیسم آمریکا، دژ خلل ناپذیر صلح در جهان هستند. هر دو حزب معتقدند که مبارزه خلفای ما بخاطر قطع فوری جنگ و از بین بردن کانونهای داغ تشنج، مهم ترین وظیفه ملی ما و خدمت بزرگی به امر صلح در جهان است."

کمیته مرکزی حزب توده ایران
کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

از پناهندگان سیاسی ایرانی در پاکستان، پشتیبانی کنیم

بقیه از صفحه اول

گذران می کنند، بی آنکه از جانب مراجع ذیربط بین المللی مورد پشتیبانی قرار گیرند.
اکنون مدتی است که تعدادی از هممیهنان ما در پاکستان برای اعتراض به وضعیت خود، در دفتر اسلام آباد سازمان ملل متحصن شده اند. از جانب متحصنین تا کنون بیانیتهای مختلفی انتشار یافته است. در یکی از این بیانیتهای که در تاریخ ۲۹/۸/۸۴ انتشار یافته خواسته های

متحصنین به این شرح اعلام شده است:

۱- تأمین امنیت حتی الامکان کافی و تضمین شدای به صورت های:
الف - از طریق مطمئن ترین شیوه تأمین امنیت که انتقال پناهندگان بمکشورهای اروپایی

توهین آمیز U.N نسبت به پناهندگان و تبعیض بین پناهندگان از ملیتهای مختلف ایرانی (بلوچ و غیر بلوچ)

۲- تضمین کافی برای فروش و پخش نشريات گروه های مبارز در محوطه U.N و یا اختصار مکان مشخص دیگری برای این کار.

۳- اقدام فوری برای آزادی پناهندگان سیاسی مبارز در زندانهای پاکستان.
اگر مشکلات و مسائل پناهندگان سیاسی ایرانی بپایه در کشورهای پاکستان و ترکیه وسیعاً در سطح جهان منعکس نگردد و افکار عمومی همه کشورها و مراجع ذیربط علیه تضییقاتی که در حق آنان روا داشته می شود، برانگیخته نشود، فشار بر روی آنان پیوسته بیشتر خواهد شد. به یاری هم میهنان آواره مان پشتیبانیم، صدای آنان را منعکس سازیم و به هر شکل ممکن در جهت تحقق خواسته های برحقشان بکوشیم.

و آمریکایی شمالی است.

۱- در غیر این صورت پذیرفتن "رسمی و قانونی" دولت پاکستان برای تأمین امنیت پناهندگان که طبقاً با الغای قراردادهای رتجاعی گذشته در این زمینه می تواند همراه باشد.
۲- افزایش کمک هزینه ناچیز کنونی و یا ایجاد امکانات رفاهی به صورت بهداشت درست امکانات آموزشی لازم و نیز مسکن (کمک هزینه مسکن و دیعه) بطور اخص.

۳- تسهیل در پذیرش پناهندگان که به معنای برداشتن کلیه موانع و سنگتاشی های قبلی برای صدور کارت پناهندگی و پرداخت کمک هزینه خواهد بود و در همین رابطه، رفع تضییقات

کارنامه جمهوری اسلامی در مراکز آموزشی، سیاه و فنگین است

بقیه از صفحه اول
ماهیت این محیطها، بسیار بارزتر و برجسته‌تر از سایر بخشها و نهاد های اجتماعی است. اندیشمندی علم ستیز و دانش گریز، خرافات پرستی، ترور و اختناق و تفتیش عقاید و آن بر سر مدارش و دانشگاه های ما آورده است که ابعاد فجایع و خیا نتهای انجام یافته و ظنین گسترده کمر رسوائی عاملین آن تنها فردا، پس از سرزدن روشنائی، تمام و کمال بدوش همگان خواهد رسید. اما اکنون نیز سیاه کاریها آنچنان عیان و گسترده است که با هیچ رنگی نمیتوانند این ننگ را بپوشانند. بر زمین کشمکشها بر سر قدرت و برای پوشاندن این سیاه کاریهاست که پرورش و نجفی می رونند و دیران می آیند تا چند صباحی دیر نیسر بازی "کی بود؟ کی بود؟ من نبودم" را ادامه دهند. اما برای مردم ما، روزبه روز بیشتر این بازیها بچانه جلوه می کند.

به برکت سیاستهای فوق ارتجاعی جمهوری اسلامی، شرح وضعیت موجود در مراکز آموزشی کشور در حد یک مقاله تنها می تواند به ذکر فهرست و ارتبا کاریها انجام یابد.

در مدارس که از همان اوان پیروزی انقلاب، بدلیل اهمیتی که برای سردمداران جمهوری اسلامی داشت، جولانگاه سیاستهای قشری و انحصار طلبانه و نیز حجتیه های انگلیسی و امریکایی قرار گرفته بود اکنون وضع بدین منوال است:

بار علمی متون کتابهای درسی به نحوی بی سابقه ای داهش یافته است. کتابهای درسی رژیم پیشین که ضمن انحرافی بودن خود سالها از نیاز جامعه عقب بود اینک جای خود را به متون به مراتب کمتر علمی و بعضا ضد علمی داده است. دروس مربوط به تکامل، بخشهای علمی از زیست شناسی و زمین شناسی بکلی حذف شده است. برخی دروس طبیعی سالهای پائین تر جای خود را به قصه پردازیهای بی معنی داده است. بجای تاریخ معاصر مشتملی دروغ و تحریف تحویل دانش آموزان می شود و قصه های عامیانه و بی پایه بجای تاریخ قرون گذشته عرضه میگردد. آموزش ادبیات فارسی تا حد هیچ نزول کرده، جای آنرا آموزش زبان عربی گفته است. مشتی اوهمام و خرافات در کنار تهمت و افترا بنام تعلیمات دینی ارائه می شود. اگر در علوم تجربی استفاده از روشهای آموزشی علمی و گردشهای علمی مرسوم نیست، این روال شامل تعلیمات دینی نمی شود. بردن گسترده دانش آموزان بر سر چاه چمکران "قم، محل ظهور و خواباندن دانش آموزان در قبر جهت درک فیض مرگ و...

دانش آموزان گشوده می شوند، آزمایشگاه و سایر وسایل کمک آموزشی لیکر تلفیق می شود. لابد بنا بر تفکر اینان لازم نیست "دندانهای اسب نموده شوند". همچنان که پرورش وزیر سابق آموزش و پرورش می گوید: "مساله دیر" طرح تام بود که بصورت آزمایشی در ۲۳ مرکز - تان در حال حاضر انجام می نیرد و عبارت است از طرحی که ۵۰۰ دانش آموزان در طول حرکتشان با مباحثه آنطور که در حوزه ها هست، بیشتر خوب بگیرند (کیهان - ۲۴ - مرداد)

"طرح کاد" - کار در حین تحصیل که بر مبنای تفکری ماقبل سرمایه داری تدوین گشته بود و می بایست دانش آموزان یک روز در هفته، توسط و تحت نظارت یکی از افراد فامیل خود به کار در کارگاه های کوچک و واحدهای مختلف صنعتی بپردازند، به مضحکه غم انگیزی بدل شده است. صد ها هزار دانش آموز مشمول این طرح یسا عملا به یاد و و ناخرد مغازه ها و کارگاه بدل شدند و یا از این ساعات بعنوان اوقاتی جهت گریز از محیط خفقان آور و کسلتبار مدارس استفاده کردند آنچه که کمتر حاصل شد آموزش بار و حرفه مفید اجتماعی است.

کمبود جا و مدرسه که با سیاستهای ضد انقلابی و ارتجاعی مسئولین آموزشی ابعاد بیسابقه و فاجعه باری یافته است اینک با باز شدن هرچه بیشتر دستهای پلید تجار و سرمایه داران و چنگ اندازی آنان بر محیطهای آموزشی، تشدید می یابد. بنا بر نوشته اطلاعات ۲ مرداد، تنها "طی ۴ ماهه گذشته ۳۵ حکم تخلیه برای تخلیه مدارس استیجاری صادر گردیده". حتی یک دبستان ۲۰ ساله با ۴۰۰ دانش آموز ثبت نام کرده نیز از این حکم برکنار نمانده است. ملی شدن مدارس خصوصی که یکی از ثمرات انقلاب به بود بقیه در صفحه ۵

از نمونه های آن است تلاش برای مغزشوایی، کاشتن بذرکین و نفرت نسبت به همه جهانیان، ایجاد اغتشاش فکری و سیاسی در اذهان دانش آموزان از همان آغاز کار دبستان تا پایان دبیرستان جریان دارد. اخراج گسترده معلمین ترقیخواه و میهن پرست با تجربه، دلسوز و با سواد از یکسو و سپردن امر آموزش به افراد بی تجربه، مخرب و بی صلاحیت و بعضا فاسد از سوی دیگر، در سقوط کیفیت آموزش نقش بارزی داشته است. سطح پائین معلومات دانش آموزان و آمار بسیار بالای تعداد مردودین و تجدیدیها بهترین شاخص این امر است.

برنامه ریوی آموزشی دبیرستانی کشور، به مراتب بدتر از گذشته، یکپارچه نزدیک و مشابهتی با نیازهای واقعی میهن مان ندارد. بطور مثال، طبق آمار ارائه شده در سال تحصیلی ۵۸-۵۷، ۲۹/۶ درصد از دانش آموزان در رشته های فنی و حرفه ای مشغول به تحصیل بودند که این رقم در سال ۶۱ به ۱۵ درصد کاهش یافته است. تعداد دانش آموزان در رشته ریاضی- فیزیک در سال ۶۱، ۱۷ درصد کل دانش آموزان را تشکیل می داده است و در سال ۶۲-۶۱، فقط ۵ درصد این رقم به اعتراف خود پرورش در دفاعیه اش در مجلس در سال ۶۳، ۷ درصد بوده است. بقیه دانش آموزان دوره متوسطه یعنی قریب ۸۰ درصد در رشته نظری تحصیل می کنند.

آموزش عملی و آرایشدهای تا حد زیادی کنار گذاشته شده است. درهای آزمایشگاه ها اکثرا قفل بوده و فقط داهگاهی به منظور تماشای



جرايد رژيم:

بر طبق برنامه تنظيم شده از سوی "کميته برلزارکننده مراسم هفته جنگ" قرار است در روز دوم اين هفته که مصادف با اول مهر است، دانش آموزان در خيابانها راه پيفتند و شعار "جنگ، جنگ تا پيروزی" سر دهند.

جنگ پوچ

جنگجوی بازآمده را پنج بوسه ببخش دخترک!

چرا که پنج سال در جبهه بود
و نیافت آنچه را که می جست
شاید در انبوه کشته‌ها

زندگی را می جست!
یا در انبوه زندگان
— مرگ را •

نغمه‌ای کن

تهی دست بازآمده را!

چه بسیار که مرگناه شهیدان را شند و
و بدفرمانی فرماندهان را •

بر خیزید!

بر خیزید و بر زمین

شهری زمر دین نقش کنید!

این، تنها بازمانده آن شهر ویران شده است •
به خانه‌اش در آید

این بی خانمان نیارمیده را!

و او را، از لپ‌چند خویش

خوانی بگسترید •

نیافت آنچه را که می جست

شاید

در فرمانرو سرهنگان

آزادی را می جست •

او را مثنی عود بر آتش نهید

تا بوهای خوش را فرا یاد آرد

و با او بگوید

در هر کجا، هر کجای جهان

آزادی را اگر یافت

نام میهن مرا نیز

پنهانی، بد و بیاموزد!

نامی

کارنامه...

بقیه از صفحه ۴

اینک رسماً ملغی شده است • مدیرکل آموزش و پرورش تهران می نویسد:

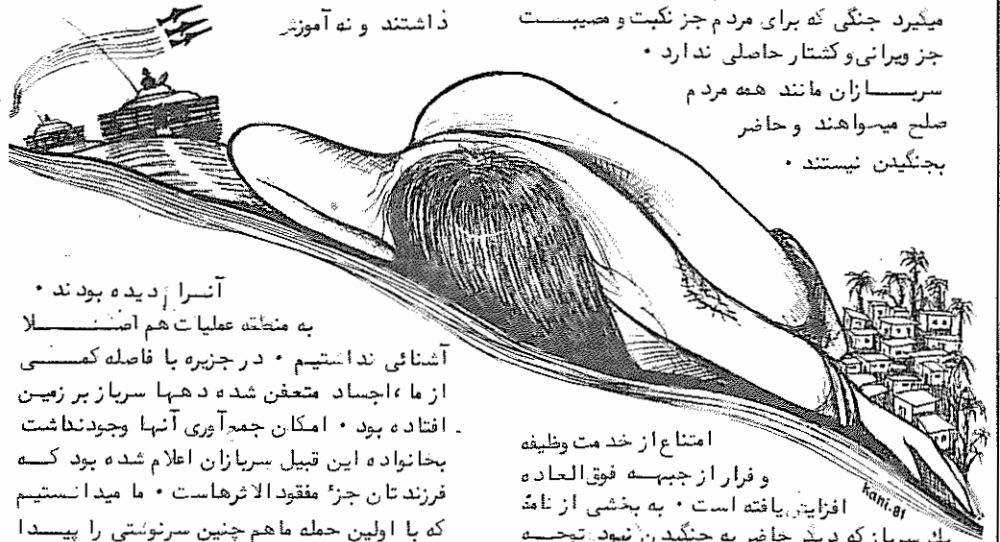
"همانطور که امام امت فرموده است از مردم (اسم مستعار تجار و سرمایه‌داران) کم‌سک بگیرند و مردم را در نارها شریک کنید، این شرکت نه تنها در مسائل بازرگانی است بلکه در مسائل فرهنگی هم است" (کیهان - ۲۰ شهریور)

روشن است نتیجه تبعی جنگ اندازی سرمایه‌داران بر مراکز آموزش متوسطه علاوه بر اضافه شدن عرصه دیگری برای سرکشی کردن مردم تمرکز امکانات آموزشی و دبیران باسواد و مجرب را در مدرسی در پی خواهد داشت که تا میسر مخارج و شهریه آن از عهده خانواده‌های زحمتکش خارج است و سدی دیگر به سدهای موجود بر سر راه ورود فرزندان زحمتکش به مراکز آموزش عالی اضافه می شود • همچنانکه در گذشته نیز بیشترین تعداد قبولشدگان در مسابقات ورودی دانشگاه‌ها را دانش‌آموزان مدرسی چون البرز و هدف و خوارزمی و یا دبیرستان‌های زده مراکز استانها تشکیل می دادند • (ادامه دارد)

فرار از جهنم "مجنون"

در هفته جاری رژیم سالگرد جنگ را جشن میگیرد جنگی که برای مردم جز نکت و مصیبت جز ویرانی و کشتار حاصلی ندارد •
سربازان مانند همه مردم صلح می‌خواهند و حاضر به جنگیدن نیستند •

باین مسائل توجه کند • هیچ يك از سربازان روحیه جنگیدن نداشته‌اند • فرماندهان هم به همین ترتیب بودند • همه خسته و مانده بودند • نه اعتقادی برای جنگیدن داشتند و نه آموزش



امتناع از خدمت وظیفه

و فرار از جبهه فوق‌العاده

افزایش یافته است • به بخشی از نامۀ

يك سرباز که دیگر حاضر به جنگیدن نبود توجه کنید:

"... دوره آموزشی ما باین ترتیب بی آنکه چیزی یاد بگیریم پایان رسید • نه کسی علاقه برای یاد گرفتن داشت و نه کسی بود که بخواهد چیزی بماند • و قتیکه نوبت تقسیم مسافر رسید همه صحبت بند (پ) را میکردند • منظور از بند (پ) کسانی هستند که با پول و پارسی به نقاط بی خطر فرستاده میشوند • در یادگان این افراد را سهمیه بند (پ) اسمگذاری کردند • تکلیف وابستگان به رژیم هم روشن بود • آنها بجای اینکه بخاطر عشق به شهادت! رهنسپار جبهه شوند، سهمیه واحدهای سیاسی - عقیدتی میشوند و در یادگانها باقی میمانند • در نتیجه من مطمئن بودم که سهمیه جبهه میشود و شریعت شهادت! را بزور در گلو می خواهند ریخت • با اعلام نتیجه تقسیم مرا روانه اهواز کردند • پس از ورود به لشکر ۹۲ زرهی اهواز واحد ما را بطرف جزیره مجنون فرستادند • گروهانی که میبایست در آن خدمت میکردم تازه تجدید سازمان شده بود و همه افراد شریک تجربه و تعلیم ندیده بودند • هیچ کدام، سابقه کار با آرپی، جی، هفت نداشتیم • قدرت تیراندازی ما زیر صفر بود • اما کسی نبود که



نامه يك كارگر:

"این دولت نوکر مستکبران است، نه حامی مستضعفان!"

بقیه از صفحه اول

نامه زیر را يك كارگر مسلمان از طریق یکی از رفقای تشکیلات برای ما فرستاده است. این نامه بازگوکننده کوشه‌هایی از درد و رنج طبقه کارگر، عزم این طبقه برای مبارزه با سرمایه‌داری، و افشاگر چهره کریم رژیم جمهوری اسلامی در پس نقاب دفاع از باصطلاح "مستضعفان" است. در این نامه فقط مقداری اصلاحات املائی و انشایی مختصر صورت گرفته است، تا کاملاً مفهوم باشد.

دوستان عزیز!

من کمونیست نیستم. اما از همان روزهای قیام که از نزدیک با شما آشنا شدم، فهمیدم کلید پیروزی زحمتکشان در دست شماست فقط شما در دفاعتان از کارگران، صدق هستید. شما را به زندان می‌اندازند و اعدام می‌کنند. اما از خواسته‌هایتان که چیزی جز آزادی ما نیست، دست بر نمی‌دارید. در این چند ساله بعد از انقلاب، ما همه را شناختیم. حال دیگر می‌توانیم تشخیص بدهیم چه کسانی دروغ می‌گویند و چه کسانی روی حرف خود ایستاده‌اند. ما فهمیده‌ایم که همه حرف‌های این جمهوری اسلامی دروغ بود. آنها نوکسر مستکبرانند و به دروغ خود را حامی مستضعفان جا می‌زنند. آنها آرام آرام پرده‌ها را کنار زدند و بالاخره معلوم شد فرقتان با رژیم شاه تنها در ظاهر است. آن یکی تاج داشت و این یکی عمامه.

غرض من از نوشتن این نامه آن است که از طریق شما وضع کارخانه میخ سازی پارس را به اطلاع همه برسانم. می‌خواهم نشان بدهم کارگران در جمهوری اسلامی، با چه مصیبت‌هایی دست به گریبانند.

این کارخانه در کیلومتر ۱۲ جاده کرج واقع است. صاحب آن، سرمایه‌دار گردن کلفتی است به اسم حاج آقا سید رضا باقرزاده. حاج آقا چندین کارخانه و باغ و آپارتمان در تهران و شهرهای دیگر نیز دارد. جمع سرمایه‌اش بالای میلیارد است. کارخانه میخ سازی پارس يك کارخانه وابسته است. خیلی از مواد اولیه‌اش را باید از آلمان و کشورهای امپریالیستی دیگر وارد کند. آن زمان که جنگ نشده بود این مواد به وفور وارد کشور می‌شد. چرخ کارخانه هم با شتاب می‌چرخید و شیرین‌جان ما را می‌مکید. حاج آقا باقرزاده از ۲۰۰ کارگری که در کارخانه کار می‌کردند، تا می‌توانست کار می‌کشید. و برای این که

غیر کرد، که تولید خوب فروش نمی‌رود. همه می‌فهمیدند که این دروغی بیشتر نیست. بازار ایران الان هر چیزی را می‌بلعد و به همین دلیل ما می‌دانستیم که باید کلکی در کار باشد. بعد از عید مطرح شد که جنگ است و مواد خام وارد نمی‌شود. پیش از ماه رمضان يك بخش از کارخانه را تعطیل کردند و کارگران قسمت ثوری را که ۲۰ نفر بودند اجباراً به برخی يك ماهه فرستادند (با حقوق ماهیانه ۲۳۰۰ تومان) در حالی که حداقل کرایه خانه ۲۵۰۰ تومان است. (در ماه رمضان ۲۳ کارگر روزمزد را بی سروصدا اخراج کردند. هر يك از آنها بین ۱ تا ۳ سال سابقه کار داشت. بعد نوبت به کارگران نوجوانی رسید که هنوز خدمت اجباری را (برای کشته شدن در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل) طی نکرده بودند. تعداد این نوجوانان که نان‌آور خانواده‌هایشان بودند، به ۱۰ نفر می‌رسید.

بعد از ماه رمضان اعلام کردند که دیگر شیوه پورسانت نمی‌صرفد. این شیوه را ابتدا در بخش وافیوز که تور باغچه‌ای تولید می‌کنند، ملغی ساختند. با قطع اضافه‌کاری به یکباره دستمزد کارگران افت شدیدی پیدا کرد. کارگران آگاه همچنان که قبلاً گفتیم با اضافه

بقیه در صفحه ۷

هموطن!

برای پایان دادن به

جنگ و ویرانی

برای پایان دادن به

گرانی و بیکاری

برای پایان دادن به

شکنجه و اعدام

برای پایان دادن به

کشتار مردم کردستان

برای پایان دادن به

تحقیر و توهین زنان

برای رسیدن به صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

متحد شویم و علیه ارتجاع حاکم مبارزه کنیم!

فدائیان - اکثريت

انعکاس مواضع سازمان در مورد جنگ، در نشریات مترقی

بقیه از صفحه اول

جمهوری اسلامی به رغم خواسته مردم همه کشورهای جهان به جنگ جنون آمیز و خانمان سوز خود با عراق ادامه می دهد. افکار عمومی جهان، این جنگ را محکوم می کند. بشریت ترقیخواه بارها و بارها از کانال احزاب و مجامع مترقی و رسانه های گروهی و کانوهای ذیربط بین المللی بر ضرورت قطع فوری جنگ، پای فشارده است.

سازمان ما معتقد است جنگ کنونی حاصلی جز ویرانی و کشتار و تحکیم مواضع امپریالیسم در منطقه، در بر ندارد. این موضع اصولی در نشریات مترقی انعکاس ویژه ای داشته است. از جمله هفته نامه "الاختلاف" چاپ سوریه که منعکس کننده جنبش رهایی بخیر در کشورهای عربی است در شماره ۱۶۸۴/۱۵ خود سرمقاله کار شماره ۳ را چاپ نموده است. روزنامه "حقیقت انقلاب ثور" ارگان کمیته مرکزی حزب

دموکراتیک خلق افغانستان، در شماره ۳۱ اسرطال ۱۳۶۳ خود اظهاریه ۲۴ خرداد ماه امسال کمیته مرکزی سازمان ما را به تمامی درج کرده است. در ماه های اخیر در نشریات "مارکسیستیه بلتر" ارگان تئوریک حزب کمونیست آلمان (شماره مه و ژوئن)، روزنامه "عصر ما" ارگان سیاسی این حزب (شماره های ۲۴ مه و ۲۶ ژوئیه)، "صدای خلق" ارگان سیاسی حزب کمونیست اتریش (شماره ۳۱ ژوئیه)، "راه و هدف" ارگان تئوریک این حزب (شماره ماه ژوئن)، "نشریه مردم لوتز امپورگ" ارگان حزب کمونیست لوتز امپورگ (شماره ۱۷ دسامبر)، نشریه دموکراتیک و ضد امپریالیستی آ-ای-ب چاپ آلمان فدرال (شماره های آوریل و سپتامبر ۸۴)، روزنامه "به پیش" ارگان حزب کار سوتیس (شماره ۳ و ۱۳۰ اوت) مواضع سازمان ما در قبال جنگ، به تفصیل انعکاس یافته است.

"این دولت نوکر مستکبران است، نه حامی مستضعفان!"

بقیه از صفحه ۶

کاری مخالف بودند، مخالفت آنها در اصل به کم بودن حقوق ماهیانه بر می گشت که کارگران را وادار می ساخت در وضعیتی که سیب زمینی به کیلویی ۴۰ تومان هم می رسد به اضافه کاری رویا بوند. اما ما در حالت ثابت ماندن دستمزدها با قطع اضافه کاری نیز مخالف بودیم. همواره کارگران مخالف بودند. با قطع اضافه کاری ۸۰ نفر در قسمت تولید توری باغچه ای، مخالفت به صورت کم کاری و خراب کردن ماشین آلات بروز کرد. در همین اثنا ۶ کارگر از روی ناچاری استعفا دادند. جانشان به لبشان رسیده بود. با حقوق ماهی ۲۴۰۰ تومان چه کاری توانستند بکنند؟ یا فرزاده خونخوار با رضایت خاطر استعفا می دادند؟ پذیرفت. یکی از کارگران مستعفی به من گفت: "ناچارم بروم دنبال کار دیگر. نمی دانم چه کاری. ولی با این مزد کم هم نمی توانم بسازم. جواب زن و بچه را چه بدهم؟ به رئیس کارخانه وقتی پرسید برای چه استعفا می دهی گفتم خودتان می دانید چرا. من این همه سابقه کار دارم ولی شما حاضر نیستید آنقدر به من بدهید که بچه هایم از گرسنگی نمیرند. کثافت برگشت گفت: "ما هم وضعمان خوب نیست. ضرر می دهیم. نمی توانیم حقوقتان را اضافه کنیم. وزارت کار هم راضی نیست. آخر مملکت در شرایط جنگی به سر می برد!" بالاخره

نمردیم و فهمیدیم مستضعف یعنی چه! بعد از ۵ سال که از انقلاب می گذرد دانستم من مستکرم و حاج آقا باقرزاده مستضعف است! دست این دولت و وزارت کارش هم دیر برایم روشن شد.

در اواخر تیر ماه کم کم زمزمه شورا بسال گرفت. می بایست متحد می شدیم و در مقابل سرمایه دار می ایستادیم. حاج آقا به هراس افتد کوشش کرد هر طور شده جلوی تشکیل شورا را بگیرد. اما کم کاری ادامه یافت. مدیریت در برابر کارگران معترض می گفت "هر کسی ناراضی است نیاید! کارگر بسیار است. به جای شما افغانی می آورم که به نصف این مزد هم راضی هستند."

وقتی اعتراض کارگران تشدید شد، مدیریت شروع به اخراج کارگران کرد. این کار با بهانه های مختلف صورت گرفت. مثلا سرپرست کارخانه مدتی، خیلی پروپا یکی از کارگران می پیچید، بالای سر او می ایستاد و از کارش عیب و ایراد می گرفت و با با و می گفت که دیر سرکار حاضر می شود. آن کارگر یک روز بالاخره از کوره در رفت و با این کلمات در مقابل سرپرست ایستاد:

"من چند سال پیش این دستگاه سیم خاردار کمرم را خم کرده ام. تمام بدنم از فشار کار کوفته شده. آنوقت می خواهید کاری کنید که ما با پای خودمان از کارخانه بیرون برویم؟ کور خوانده اید!" بالاخره این کارگر را اخراج کردند بی آنکه فریادش به

جایی برسد. وزارت کار هم که شما بهتر از من می دانید وزارت کار فرمایان است. تره هم به ریش او خرد نکردند.

مدیریت کارخانه مثل بقیه سرمایه داران تاجر زیادی در زمینه تفرقه انداختن بین کارگران دارد. حتی از اجیر کردن جاسوس نیز ابایی ندارد. ولی کارگران به حرکت خود ادامه می دهند. خود باقرزاده دیگر کمتر به کارخانه می آید. اخیرا می گویند رفته است آمریکا برای استراحت! شیره جان ما را میکده حالا رفته کشور اربابش به سلامتی جمهوری اسلامی بیسکی بالا بزند. مدیر کنونی کارخانه، برطبق دستور او مرتب فشار را بالا برد. او مرتب آمد برای ما نطق کرد که مثلا "وقتی در ژاپن جنگ تمام شد، همه دست به دست هم دادند و اقتصاد خود را رشد دادند. ژاپن حالا شده است اقیانوس آسیا!" کارگری در جواب او گفت:

"منظورتان این است که ما این نان خالی را هم نخوریم و سرمان را زیر بیدازیم، تا جیب باقرزاده ها پر شود؟"

در جای دیگری آقای مدیر در برابر اعتراض جمعی ما فریاد کشید و گفت: "بروید گم شوید! دوست دارید با این حقوق کار کنید، کار کنید! دوست ندارید بفرمایید بروید! به من چه ربطی دارد شما با این ۲ هزار تومان چطوری زندگی می کنید؟"

به من چه ربطی دارد که تورم هست، گرانی هست! چرا توجه نمی کنید که ما در شرایط جنگی به سر می بریم؟ "جنگ هم واقعا بهانه خوبی برای این آقایان شده است. اصلا هم اینها هستند که جنگ را کش می دهند. می خواهند خون بچه های مردم روی زمین بریزد و حضرات کیسه شان پر شود."

مدتی بعد خیلی های دیگر را اخراج کردند. هر کس را که دم از شورا زد، انداختند بیرون. به هر کس که گفت با این حقوق نمی شود زندگی کرد گفتند بروید کار بهتری پیدا کنید! اما کارگران از تب و تاب نمی افتند حرکت ادامه دارد:

کارگران به ضرورت اتحاد پی برده اند و از اخراج هم بیمی ندارند. گرسنگی گرسنگی است. بالاخره حق خودشان را خواهند گرفت.

آری دوستان! این بود کوشش های از وضعیت کارگران در جمهوری اسلامی. دیگری ما دست این جمهوری را خوانده ایم. وقتی می آیند از مستضعف حرف می زنند، به خوسی می دانیم که اشک تسلیح می ریزند. ما امید خودمان را از دست نمی دهیم و به مبارزه ادامه می دهیم. ما باید متحد شویم. اگر همه با هم باشیم مثل سیل به راه خواهیم افتاد.

زنده باد طبقه کارگر!
مرگ بر نظام سرمایه داری!
مرگ بر امپریالیسم امریکادشمن اصلی خلق ما!

کارگر مسلمان
۱۳۶۳/۵/۱۰

در حاشیه

"به لحاظ تجربه، سخن از آخرین عملیات نباید بمیان آورد"

سرمقاله روزنامه اطلاعات ۲۴ شهریور:

"میگویند يك سخنران مبتدی وقتی سخن می گوید با معین نمودن محدوده هایی خودش را در بن بست می اندازد مثلا میگوید می خواهم در مورد سیاست خارجی ایران صحبت کنم . سیاست خارجی ایران ۸ مشخصه دارد . شش مشخصه را می شمارد و مابقی یادش می رود . سخنران حرفه ای میگوید مشخصات سیاست خارجی ما اینهاست . آن وقت اگر چهار مشخصه را هم بشمارد کسی ایرادی بر او نمی گیرد . در جنگ نیز به لحاظ تجربه و نیز تا مل نیایست دچار هیجان شد . سخن از عملیات آخرین ، بی عملیات سرنوشت سازو یا پایان فوری جنگ و ... به میان آورد ."

مفهوم فرهنگ سالم و غنی!

مسئول نمایشگاه " از کربلا تا قدس " هدف از برگزاری نمایشگاه را از جمله چنین توضیح می دهد :

" میباید ، فرهنگ غنی جبهه ها که به فرموده امام " جنگ از برکات الهی است " هر چه گسترده تر و وسیعتر نشر یابند ، زیرا به تشریح این فرهنگ سالم و غنی هم حقایق انقلاب اسلامی به ثبوت می رسد و هم پایه های بسیاری از علائق دنیوی فرو خواهد ریخت ."

(جمهوری اسلامی - ۲۶ شهریور)

تکبیر تجار محترم

بعد از فتاوی ۴ شهریور ، سیل پیامها و تلگرامهای تبریک و حمایت ، از طرف محافل هوادار غارتگری لجام کسبخته تجار بزرگ سرازیر شد که بی استثناء ، حاکمیت فقه را بر همه ایجاد اجتماعی به ویژه پیکره اقتصاد " را ، ازدولت طلب کردند . تنها ، د و نمونه از این پیامها ، می تواند نشان دهنده سمت و سو ، و مضمون فتاوی باشد .

اطلاعیه اتحادیه صنف فروشندگان آهن آلات تهران میگوید : " کسبه متعهد همیشه خواهان اقتصاد اسلامی بوده و تنها راه اصلاح را حاکمیت فقه اسلامی بر اقتصاد مملکت میدانند ، همانطور که آن امام بزرگوار فرمودند سلب آزادی مردم بر امور اقتصاد مشروط نیست . متقابلا اعلام میداریم که آماده هر گونه کمک جهت اجرای فرمان آن حضرت بوده و وظیفه خود میدانیم که تجربیات و نظرات را در اختیار

البته منظور آن نیست که در سیاست دخالتی نکنند بلکه معلمین بیشترین حق را در سیاست دارند و آن همان سیاست غالب و حاکم جمهوری اسلامی است ."

(جمهوری اسلامی - ۲۴ شهریور)

"اسلام میخواهد زن در صندوق خانه باشد"

کوهر الشریعه دستغیب نماینده مجلس:

در بین برادران مجلسی که نگاه افرازی پیدا می شوند که می گویند زن را باید در ناگاه های نگه داشت تا مخفی باشد و دچار گناه و انحراف نشود . عده ای به اسم اسلام شنا می گویند : " اسلام می خواهد زن در صندوق خانه باشد خودم از برادری که در کار اجرایی قوه قضائیه است چند ماه پیش شنیدم که با افتخار می داند : " تا به حال به چند خانم که بعنوان شاکی از ازدواج مجدد و بدون اطلاع همسرانشان مراجعه کرده اند ، کوچکترین توجهی نکردم داد ناهیا خیلی سریع و راحت بچه ها را از زن می گیرند و به پدر می دهند مثل اینکه قطعات آهن و سنگ جابجا می شوند ."

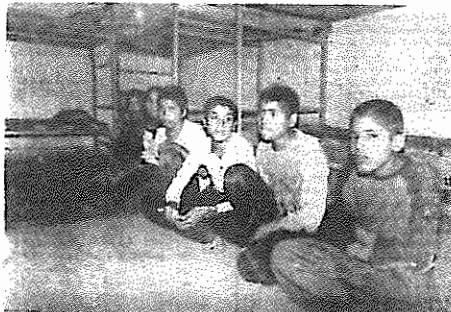
(کیهان - ۱۳ شهریور)

نهایی سوخته به وسیله "مجاهدین" قاچاقچی افغانی

مسئول ستاد بازپرور معتادین زاهدان :

" امروز بوضوح می بینیم که از قبل مساله مواد مخدر آینده نسل ۱۰، ۱۲ ساله های ایران در خدر است بطوریکه بر طبق آماریکه امور تربیتی شهر زاهدان داده بود در سطح مدارس راهنمایی حدود ۱۷۰ نفر و از سطح دبستان های دخترانه شهر زاهدان ۷۰ بچه معتاد وجود دارد که امکان ترک دادن آنها از عهده ما خارج است در شرایط فعلی و شرایطی که مرزهای شرقی کشورمان دارد کار بازپروری درست مانند آنست که ما بخواهیم با يك ماده مگس کش در سر محل تجمع زباله اقدام به نابودی مگسها بکنیم ."

(جمهوری اسلامی - ۲۲ شهریور)



عده ای از خرد سالان معتاد ، در مرز بازپروری معتادین در زاهدان که بی تفاوتی تبهکارانه رژیم به سرنوشت کودکان و شیوع فزاینده اعتیاد توسط جنایتکاران افغانی آنها را بیرحمانه به نام اعتیاد کشیده است .

مسئولان متعهد مملکتی در امر اقتصاد نهاد تا انشاء ۰۰۰ با رهنمود های آنحضرت توفرا میباش حضرت آیت العظمی منتظری بر مشکلات اقتصادی فائق گشته و چنانچه بمورد اجرا گذاشته شود ، نهد اقتصاد نه شرقی نه غربی ، بلکه اقتصاد اسلامی خواهد بود ."

(کیهان - ۱۸ شهریور)

" جامعه انجمنهای اسلامی بازار و اصناف تهران " با صدور اطلاعیهای و با استناد به رؤس فتاوی از جمله " شما بازار را می خواهید نگه دارید ، بازار را شریک کنید در کارها " و متذکر می شود : " امید است که با توجه به دستورات امام مبنی بر همکاری با بازار مسئولان امر تشویق به اجرای سیاست هایی منطبق با دستورات امام گردند هیئت قانونی نمیتواند ناقض اصول اساسی شرع انور گردد ، لازم است که این اصول را شدیداً مد نظر قرار دهیم . هر نوع طرح توزیع بدون در نظر گرفتن اصول شرع منجر به سلب حاکمیت طرفین بیع و نهایتاً خلاف شرع بودن معامله خواهد گردید ."

(اطلاعات - ۱۹ شهریور)

باید با سرعت کارها را جلو بیاوریم

رفسنجانی در دیدار با اعضا و مسئولین حزب جمهوری اسلامی :

" بخش خصوصی بعنوان بهترین اهرم برای کارهای اقتصادی و بسیاری کارهای دیگر فوق العاده اهمیت دارد . حفظ آزادی انسانها اینگونه قابل تعمیم است . آزادی انسان فقط رای دادن نیست . بخش خصوصی باید حتماً فعال شود . صحبت امام تا بحال اینگونه صریح نبود . حال بعد از فرمایشات ایشان نباید کارها مثل قبل انجام شود ، بلکه باید با سرعت کارها را جلو بیاوریم . پس از سخنران امام ، دولت بلافاصله بخشنامه کرد و طرح برنج هم از مصادیق آن بود ."

(جمهوری اسلامی - ۲۶ شهریور)

هرچه تجار دینفع بگویند

موسوی دست وزیر :

" شما تصور که در اطلاعیه منتشره ، عنوان شده ، با توصیه هایی که حضرت آیت الله منتظری کردند و سخنان حجت الاسلام رفسنجانی و نظرات ریاست جمهوری مسئولیت خرید و توزیع برنج به بخش خصوصی واگذار میگردد و در این زمینه دولت هیچگونه مسئولیتی ندارد البته برای کمک به تحقق برنامه مزبور و جلوگیری از افزایش بی رویه قیمت به تقاضای اصناف دولت کامیونتها و وانتها را کنترل خواهد کرد و لازم است یادآور کنم هرگاه اصناف دینفع در این رابطه بخواهند این کنترل لغو خواهد شد ."

(کیهان - ۲۱ شهریور)

تنفس تنها در هوای سیاست غالب

رفسنجانی :

" معلمان باید در هوایی تنفس کنند که در آن جریان های خاص سیاسی مطرح نباشد .

ابراز همبستگی با مبارزات مردم ایران در جشنهای محلی حزب کمونیست فرانسه

بزائسون

بقیه از صفحه اول
در روزهای دوم و سوم ژوئیه مطابق با ۱۲ و ۱۳ خرداد ماه امسال جشن سالانه کارگران بزائسون برگزار شد. در این جشن غرفه‌ای نیز به سازمان ما و حزب توده ایران اختصاص داشت. غرفه که با شعارهایی چون "آزادی برای کلیه زندانیان سیاسی - مستحکم باد همبستگی کارگران - ایرانی و فرانسوی!" - ننگ و نفرت بر کشتار و اختناق در ایران!" و پوسترهایی با مضمون افشای رژیم، تزئین شده بود، مورد بازدید تعداد زیادی از شرکت کنندگان قرار گرفت. بازدید کنندگان طوماری را در اعتراض به کشتار انقلابیون در ایران امضا نمودند.

غرفه مشترک سازمان و حزب در جشن کارگران بزائسون مورد بازدید شخصیهایی چون رفیق فرانست لزار عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه، ماریسالی بورکسن مسئول ایالتی حزب کمونیست در استان دب، برنارد تونس دبیر اول و مسئول حزب کمونیست در شهر بزائسون، کارهیلیرو اینرون آنسدره مشاوران شهرداری بزائسون، سرژ پانگلسی شهردار ادن کورت و شارل بویه، کیارد و دیاز فرئل، استادان دانشگاه بزائسون و ۰۰۰ قرار گرفت.

ادن کورت

در روزهای ۹ و ۱۰ ژوئیه مطابق با ۱۶ و ۱۷ خرداد ۶۳، تعداد بسیاری از شرکت کنندگان در جشن محلی حزب کمونیست فرانسه در شهر "ادن کورت" واقع در استان دب، از غرفه مشترک حزب توده ایران و سازمان ما، بازدید به عمل آوردند و بد تکلیهای مختلف

"هدف نهایی ایران و پاکستان یکی است"

از چه ظرفیت بالایی برای انجام نیت آمریکا برخوردار است.

جمهوری اسلامی در مخالفت و ستیز با افغانستان انقلابی کاسه داغتر از آتش است. این رژیم با حل مسأله آیمز ساله افغانستان اکیداً مخالف است و از پاکستان به خاطر این که در کنفرانس ژنو شرکت کرده گلایه می کند.

آنچنان که از روزنامه‌های جمهوری اسلامی بر می آید مذاکرات صاحبزاده یعقوب خان با مقامات تهران، عمدتاً حول مسأله افغانستان و ایجاد هماهنگی در جهت غریبه زدن به انقلاب این کشور، دور می زده است. یعقوب خان در دیدار با نخست وزیر می گوید: "ما با مسایل متعددی در منطقه درگیر هستیم



از جمله صدور قطعنامه و امضای طومار، سرانجام همبستگی خود را با مبارزات مردم میهن ما ابراز داشتند. در میان بازدید کنندگان از غرفه، این شخصیتها به چشم می خوردند: رفقا فیلیپ هرزوک، عضو دفتر سیاسی و مسئول امور اقتصادی حزب کمونیست فرانسه، سرژ پانگلسی شهردار ادن کورت و مشاور اول استان رب، ماریسالی بورکن، لولوا ژان پیر شهردار برون کورت، ژرارد بای مسئول اول حزب در شهر ادن کورت و مشاور شهردار، برخی از استادان دانشگاه بزائسون و ۰۰۰.

دیزون

هواداران سازمان و حزب توده ایران در جشن محلی حزب کمونیست فرانسه در استان "کوتور" که در روزهای ششم و هفتم تیرماه ۶۳ در شهر دیزون برگزار شد، با برپا ساختن غرفه‌ای که پلاکاردها و پوسترهایی آن به افشای جنایات جمهوری اسلامی اختصاص داشت، شرکت کنندگان در جشن را به ابراز همبستگی با مبارزات مردم ایران فراخواندند. شخصیهایی زیر نیز از غرفه بازدید کردند و طوماری را که در اعتراض به اختناق و کشتار در ایران تنظیم شده بود، امضا نمودند: آلن تیروز مسئول اول حزب کمونیست

و حوادث بسیاری در اطراف ما اتفاق می افتد. لذا لازم است که دو کشور جمهوری اسلامی ایران و پاکستان، با هم مشورت‌های بیشتری داشته باشند، از جمله گفتگو و تبادل نظر پیرامون مسایل افغانستان که جای ویژه‌ای در روابط دو کشور دارد. "موسوی به این اظهارات، چنینی جواب می دهد: "باید صریح گفته شود که بسا وجود بهای سنگینی که ملت‌ها و دولت‌های ایران و پاکستان در این رابطه، از جمله در مورد برادران مهاجر افغانی تحمل کرده‌اند، بررسی‌های به عمل آمده نشان می دهد که دو کشور مسلمان و همسایه مجبورند، سیاست‌های هماهنگی را در مورد افغانستان، در پیش گیرند."

(اطلاعات ۲۲ شهریور)
وزیر امور خارجه پاکستان بعد از بازگشت از تهران، در فرودگاه اسلام آباد در جمع خبرنگاران اظهار داشت که "به رهبران ایران، اطمینان خاطر داده است که علی رغم تفاوت‌های موجود، در برخورد با مسأله افغانستان، هدف

فرانسه در ایشان کوثر، پاشل یانلی مسئول حزب کمونیست در شهر دیزون، ماریسالی هارلسو، از مسئولین ایالتی حزب و جمعی از استادان دانشگاه دیزون.

مارتو

در روزهای ۱۶ و ۱۷ خرداد ۶۳، در جشن محلی حزب کمونیست در شهر مارتو، هواداران حزب و سازمان نیز شرکت جستند. غرفه مشترک مورد بازدید بسیاری از شرکت کنندگان در جشن قرار گرفت.

شالین سورسن

در جشن محلی استان "سون الوار" که در شهر "شالین سورسن" برگزار گردید، غرفه‌ای به سازمان و حزب اختصاص داده شده بود که مورد استقبال بسیار واقع شد. بسیاری از شرکت کنندگان در جشن طومار اعتراض به کشتار و اختناق در ایران را امضا نمودند. این طومار به امضای شخصیهایی زیر نیز رسید: کلود پالورسئو ایالتی حزب کمونیست فرانسه، خانم باشل، مسئول شهر شالین، اساتیدی همچون میشل کوه دیازرونو، مارژو و ۰۰۰.

ایروکور

در جشن محلی حزب کمونیست فرانسه در استان "اوت سون" که در شهر "ایروکور" در روزهای ۱۶ و ۱۷ تیر ۶۳ برگزار شد، عده زیادی از شرکت کنندگان، از غرفه مشترک حزب و سازمان بازدید کردند و با صدور قطعنامه‌های ترور و قتل موجود در ایران را محکوم کرده و خواهان آزادی زندانیان سیاسی و قطع فوری جنگ شدند. شخصیهایی زیر نیز این قطعنامه را امضا کردند: دکتر وایزبرگ عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه، جمعی از مسئولین ایالتی و شهرهای مختلف همچون خانم ریخلرو، آرونیز، موروکس، ولولوا ژان پیر، شهرداران و مشاورین شهرداری شهرهای مختلف همچون جرارد بای، مونری ژرژ و از مسئولین سندیکاها از جمله کریه ونل و جمعی از اساتید دانشگاه.

نهایی ایران و پاکستان یکی است.

(روزنامه داون - چاپ پاکستان - ۱۴ سپتامبر)
تفاوت‌های ناچیزی که میان روش‌های رژیم بر سر پیشبرد هدف ارتجاعی مشترک وجود دارد، طبعاً نتوانسته است مانع کسترش هر چه بیشتر همکاری میان دو کشور گردد. نتایج مذاکرات صاحبزاده یعقوب خان در تهران گواه دیگری بر این امر است. در ادامه گسترش روابط این دو رژیم ارتجاعی، همانگونه که "آرسی - دی" احیا شده است (موضوعی که در جلسه ۱۰ سپتامبر کابینه ضیا الحق رسمیت پیدا کرد)، اینک باید شاهد احیای پیمان سنتو بود. روابط اقتصادی با ترکیه و پاکستان، احیای "آرسی - دی" را به دنبال آورد و حال همدستی با ترکیه در سرکوب خلق کرد و هم پیمانی با پاکستان در ستیز علیه افغانستان انقلابی، میانه راهی است که احیای سنتو نیز یکی از مقاصد آن است. جمهوری اسلامی برای خدمت به امپریالیسم استعداد‌های زیادی دارد.

اوج گیری پیکار مردم فیلیپین در راه سرنگونی دیکتاتوری مازکوس

کارگران انجامید. هنوز هم خبری از تعداد بسیاری از کارگران عضو اتحادیه‌های کارگری که در آن روز ناپدید شدند، در دست نیست.

قتل "بنینواکینو" از سیاستمداران مخالف رژیم مازکوس که در فرودگاه مانیل به دست سربازان دولتی انجام گرفت، پس از یک سال هنوز هم انگیزه تظاهرات وسیع مردمی است. در سالگرد این جنایت، میلیون‌ها نفر در مانیل گرد آمدند تا علیه سیاست ترور و خفقان دولتی اعتراض کنند. آنها خواهان سرنگونی رژیم دیکتاتوری وابسته به آمریکا

حکومت مازکوس از سالها پیش همواره با سرکوب، ترور و جنایت همراه بوده است. در فیلیپین، شخص مازکوس، بعنوان رئیس، جمهور اختیار دارد تا بجای قانون، با "فرامین"



سرکوب دارفران به توسط پلیس ضد اغتشاش مازکوس.

شدند. در هفت ماه ژوئیه، ۳۰ هزار دانشجو به اتفاق معلمان، استادان دانشگاهها و رهبران گروههای سیاسی، در اطراف مجسمه "یونسی فلیو" قهرمان ملی فیلیپین در مبارزه علیه استعمار اسپانیا گرد آمدند و از آنجا، به طرف کاخ "مالاکانیان" محل اقامت مازکوس به راه افتادند. گارد مسلح، در نزدیکی کاخ راه تظاهراتکنندگان را سد کرده و به استفاده از گاز اشکآور متوسل شد. این واقعه، به مجروح شدن تعداد زیادی از مردم انجامید. فردای آن روز، رهبران اتحادیه‌های دانشجویی اعلام کردند عده بیشماری از دانشجویان توسط "مارشالهای مخفی" یا نیروهای امنیتی مازکوس شناسایی و دستگیر شده‌اند که از آنان خبری در دست نیست. از این رو، روز ۱۳ ژوئیه، راهپیمایی گسترده‌تری انجام گرفت. در این تظاهرات با شکوه، ۵۰ هزار نفر از دانشجویان و مردم شرکت کردند. تنها در هفته بین سیزدهم تا نوزدهم اوت، پنج تظاهرات بزرگ ضد رژیم انجام گرفت. در یکی از این تظاهرات، که در اعتراض به قروض خارجی سرسام آور رژیم برگزار شد، هزاران نفر فریاد می‌زدند "مازکوس، تروریست است."

روی آوردن بخشهای هرچه بیشتری از مردم فیلیپین به مبارزه، و عمیق تر شدن و رادیکال تر شدن خواسته‌های آنها، باعث شده است حتی برخی مدافع بورژوازی و وابسته به آمریکا نیز در برابر رژیم مازکوس محکوم به فناسست. نیروهای معینی در فیلیپین، با حمایت برخی

حکومت‌کننده، نیروهای سرکوبگر، قادرند اشخاص را بدون محاکمه بازداشت و به زندان بپوشانند. زندانیان فیلیپین، پس از مین پرستانی است که تنها جرم آنها، استقلال طلبی و آزاد اندیشی است. باند های سیاه وابسته به حکومت، به نام "مارشالهای مخفی"، دست به ترور مبارزین می‌زنند. حرکت های اعتراضی مردم معمولاً با واکنش خشونت آمیز سرکوبگرانه پلیس و ارتش، روبرو می‌شود.

مازکوس در تمام طول ۱۹ سال جنگ با مردم فیلیپین، از حمایت بی‌درنگ آمریکا برخوردار بوده است. آمریکا که فیلیپین را به "ناو هواپیما بر غرق نشدنی" خود تبدیل کرده، مصمم است تا اجازه ندهد تحولات سیاسی واجتماعی در فیلیپین، به منافع آن لایه ای وارد آورد.

در مقابل، در ماههای اخیر جنبش مردمی علیه دیکتاتوری مازکوس همه اقشار و طبقات خلقی را در بر گرفته است. به ویژه، طبقه کارگر فیلیپین به طور فزاینده ای به مبارزه برای تحقق اهداف صنفی و سیاسی، روی می‌آورد. در تاریخ ۲۹ ژوئن امسال، کارگران شرکت های چند ملیتی در شهرهای بندری ماری والیس و بتان بخاطر پایین بودن دستمزدها و بیعدالتی اجتماعی، دست به تظاهرات زدند. در ماه مه، کارگران شرکت های سازنده کالاهای صادراتی، تظاهرات اعتراضی برگزار نمودند. کارگران شرکت های بزرگ فیلیپین هم اکنون بیش از یک ماه است که در اعتصاب به سر می‌برند. در روز ۲ ژوئیه، کارگران چند شرکت دست به تظاهرات زدند که با دخالت عوامل سرکوبگر دولتی، موقتاً قطع شد و به شهادت ۴

بقیه از صفحه اول
آنجلس و پایگاه دریایی اتمی "سویک" است. به نوشته "نیوزویک" این دو پایگاه عظیم نظامی برای آمریکان اندازه ای اهمیت دارند که در صورت "از دست رفتن" آنها، نمی‌توان جای شان را پر کرد.

فیلیپین عضو "آستان"، سازمان کشورهای جنوب خاوری آسیاست. در این سازمان، علاوه بر فیلیپین، سایر کشورهای این منطقه که تحت سلطه رژیم های آمریکایی هستند، عضویت دارند.

فیلیپین هم اکنون شدیدترین بحران اقتصادی خود را از زمان اشغال این کشور توسط ژاپن در سال ۱۹۴۱، بدین سو، از سر میگذراند. حاکمیت اقتصاد سرمایه داری وابسته، فیلیپین را به ورشکستگی کشانده است. در حالیکه فیلیپین همچون بسیاری دیگر از کشورهای تحت سلطه از عواقب استثمار و غارت ثروت ملی توسط صندوق بین المللی پول رنج می‌برد، رژیم مازکوس در شرایط بحرانی حاضر نیز همچنان راه برون رفت از بن بست را در گرفتن وام از این صندوق می‌بیند. در حال حاضر مذاکرات برای دادن یک وام ۶۵۰ میلیون دلاری صندوق بین المللی پول به فیلیپین، جریان دارد. سطح زندگی مردم فیلیپین در سالهای اخیر دائماً رو به کاهش داشته است. برنج، که محصول عمده کشاورزی فیلیپین و غذای اصلی مردم این کشور است، در نتیجه غارت و چپاول بی حد و حصر از سوی سرمایه داران بزرگ، در عرض یک سال، ۲۰۰ درصد افزایش قیمت داشته است. در حالیکه یک کیلو برنج به بهایی حدود ۹ پیزو (تقریباً ۹۰ ریال) رسیده، مزد یک کارگر صنعتی طبق نرخ رسمی دولت از ۳/۵ پیزو در روز (۴۳۵ ریال) تجاوز نمی‌کند. دولت اعلام کرده است از آنجا که مصرف داخلی برنج بیش از میزان تولید است، لذا از تایلند برنج وارد خواهد کرد، و این در حالی است که برنج، اصلی ترین کالای صادراتی فیلیپین است البته برنج کاران کمبود برنج را مصنوعی و نتیجه احتکار و بورس بازی کلان سرمایه داران، بخصوص سرمایه داران چینی فراری از انقلاب چین می‌دانند. کرایه اتوموبیلها که کارگران باید خود را با آن به محل کار برسانند روز به روز گران تر می‌شود. اگر یک کارگر بخواهد از محله فقیرنشین مانیل به نام "تندو" به محل کار خود در یکی از کارخانجات برود، هر روز رفت و برگشت او با اتوموبیل ۱۰ پیزو (۱۰۰ ریال) خرج بر می‌دارد. این نمونه، و نمونه های دیگر، همه حاکی از آنست که بار اصلی بحران اقتصادی فیلیپین و سیاست های دیکتاتوری، بدوش کارگران و زحمتکشان است.

رویدادهای
جهان

آدم ربایی برای تبلیغات ضد کمونیستی

نزدیک به یک سال تمام، رسانه‌های گروهی غرب تبلیغات وسیعی بر سر فراراد عایی یک روزنامه‌نگار شوروی به نام "اولگ بیتوف" به راه انداختند. اکنون بیتوف در مسکو به سر می‌برد. وی طی یک مصاحبه مطبوعاتی فاش ساخت که چگونه یک سال پیش در ونیز، عوامیل "اینتلجنت سرویس"، سازمان جاسوسی بریتانیا، وی را ربوده و وادار ساختند خود را بعنوان "ناراضی" و "فراری" در اختیار آنها بگذارد. بیتوف بطور مشخص و با ذکر جزئیات بسیاری، ماجرای ربوده شدن خود، استفاده از داروها، شیمیایی و تهدیدات گوناگون توسط رایندگان، و سپس انتقال وی با گذرنامه جعلی به لندن را بر ملا ساخت. بیتوف در کنفرانس مطبوعاتی مذکور، اسامی اشخاص و نشانی محل‌هایی را ارائه داد که بنحوانکارناپذیری حاکی از دقت گزارش او است. وی گفت کلنل جرج هارتلند، کلنل جیمز ستال، دو افسر به اسامی هایکسل ویلمونت و پیتر هیلر، سروان چارلز مک نات و چند نفر دیگر در ربودن و اعمال فشار بر او شرکت داشته‌اند. به گفته بیتوف، یک مقام تصمیم گیرنده در گروه عملیاتی مربوطه انگلیسی، خطاب به او اظهار داشته است: "شغل ما تنها یک قانون می‌شناسد: نبود کامل قوانین".

بیتوف میان مقاومت علنی، که به معنای خود کشی می‌بود، حیانت به وطنش و بی‌مواظت ظاهری با خواسته‌های "اینتلجنت سرویس" و استفاده از یک فرصت مناسب برای فرار از دست جنایتکاران، راه سوم را انتخاب کرد. وی اینک در صدد است تا تجربه زندگی چند ماهه خود بعنوان "ناراضی فراری" جعلی در "دنیای آزاد" را بصورت یک کتاب با افکار عمومی در میان بگذارد.

دیوکل حزب کمونیست شیلی:
استفاده از همه شیوه‌های مبارزه
کماکان در دستور روز است

رفیق لوئیس کوروالان، دبیر کل حزب کمونیست شیلی، در پیامی که در تاریخ ۱۰ سپتامبر منتشر گردید، اعلام کرد: "تجربه نشان می‌دهد، مقاومت مسالمت‌آمیز و مسلحانه نافی یکدیگر نیستند، و شیوه اصلی مبارزه، در تحلیل نهایی به عوامل متعدد عینی و اراده مردم بستگی دارد. مردمی که برای آنها، حقوق شورش و سرپیچی با توجه به اهداف شوم دیکتاتور و رفتار جنایتکارانه ارگانهای سرکوب رژیم هر چه انکارناپذیرتر می‌گردد." این موضعگیری صریح حزب کمونیست

شیلی، در پاسخ به اظهارات برخی رهبران راستگرای حزب دمکرات مسیحی به عمل آمد، که خواهان دست کشیدن کمونیست‌های شیلی از اصل یکارگیری همه شیوه‌های مسالمت‌آمیز و مسلحانه مبارزه شده و این امر را شرط انعقاد یک موافقتنامه سیاسی با حزب کمونیست قرار داده بودند. رهبر حزب کمونیست شیلی افزود: "لحظه‌ای که شیلی در آن به سر می‌برد، برای شکست دادن امپراتوری که عرش قدرت او سیزی ناپذیر است، مناسب است. اگر با شجاعت و شهامتی که این موقعیت می‌طلبد، عمل شود، و اعتلای پرشکوه و پیروزمند مبارزه، و اتحاد همه نیروهای دمکراتیک، پیش‌رود، اراده مردم به کرسی خواهد نشست."

از سوی دیگر، جنبه مخالفت با دیکتاتور پیئوشه آنچنان وسعت یافته است که حتی اشخاص و محافلی که در ایجاد شرایط مناسب برای کودتای ۱۹۷۳ شرکت داشته و سالها از دیکتاتوری حمایت کردند، به اپوزیسیون می‌پیوندند. از جمله، ژنرال لی کودتاچی، که تا سال ۱۹۷۸ عضو "خونتا"ی نظامی پیئوشه بود، اخیراً پیئوشه را "دیکتاتوری از نوع هیتلر" خواند و اظهار تاسف کرد که دیکتاتور هنوز به قول خود مبنی بر انجام مذاکراتی با برخی مخالفین عمل ننموده است. لازم به یادآوری است وزارت خارجه آمریکا نیز همزمان با برگزاری دهمین روز اعتراضی ملی، از پیئوشه خواست با اپوزیسیون به اصطلاح "دمکراتیک" وارد گفتگو شود.

تشکیل ائتلاف راست در اسرائیل

رفیق توفیق طوبی، معاون دبیر کل احزاب کمونیست اسرائیل، طی نطقی در "کنست" پارلمان این کشور، گفت: "دولت جدید پرز شامیر نه دولت وحدت ملی، که دولت سیمروزی ملی، و نسخه جدید و افراطی تر رژیم راستگرا، محافظه‌کار، جنگ طلب و سلطه جوی، "لیکود" است و مشی سیاسی دولت پیشین را ادامه می‌دهد."

با تشکیل ائتلاف پرز شامیر، جبهه حزبی "ما آراخ" که تا کنون حزب رفرمیست "کار" به رهبری شیمون پرز در آن عضویت داشت، از هم پاشید. حزب "ماهام" اعلام کرد به اتحاد با "حزب کار" خاتمه داده و از دولت جدید پشتیبانی نخواهد نمود. "ویکتور شتوف" دبیر کل این حزب، اتحاد رهبری راستگرای "حزب کار" با "لیکود" را حیانت به اصل سوسیال دمکراسی قلمداد کرد.

برنامه دولت پرز شامیر همچنان بر سر خود داری از پایان دادن به اشغال مناطق عربی‌ای که از سال ۱۹۶۷ در تصرف صهیونیست هاست، و نیز استتکاف از مذاکره با سازمان آزاد بیخش فلسطین پافشاری کرده است. علاوه بر این، دولت جدید قصد دارد به سیاست استعماری ایجاد شهرک‌های صهیونیستی در مناطق عربی ادامه دهد.

بزرگداشت شهدای صبرا و شتیلا،
در کرانه غربی رود اردن

در کرانه غربی رود اردن، که تحت اشغال اسرائیل است، تظاهرات مردمی بمناسبت بزرگداشت دومین سالگرد قتل عام صبرا و شتیلا برگزار گردید. در اردوگاه‌های "دوحیشه" و "یلزون" و نیز دانشگاه عربی "بزیل"، مراسم گرامیداشت خاضره شهدای "صبرا" و "شتیلا" مقامات صهیونیست را بر آن داشت تا دانشگاه را به مدت یک روز تعطیل کنند.

علی تظاهرات مذکور، مردم همچنین خواهان خروج صهیونیستها از مناطق حدود گردیدند. سربازان اسرائیلی با خشونت هر چه تمام تر به تظاهرات حمله ور شده و چندی نفر را بازداشت کردند. صهیونیستها در اردوگاه "دوحیشه" مقررات منع عبور و مرور برقرار نموده و دست به جستجوی خانه به خانه زدند.

اوج گیری یکار مردم فیلیپین
در راه سرنگونی دیکتاتوری مارکوس

بقیه از صفحه ۱۰
محافل امپریالیستی، ازهم اکنون به فکر فیلیپین پس از مارکوس افتاده‌اند. آنها به شدت از دست گیری فزاینده مبارزات مردم به سوی امپریالیسم آمریکا هراس دارند. و قایمی نظیر تظاهرات اعتراضی علیه آمریکا در اصطلاح "روز و سستی آمریکا و فیلیپین" در ۴ ژوئیه، برای این محافل بمثابة زنگ خطر است. آنها می‌خواهند قدرت سیاسی به نحوی از دست مارکوس خارج شود که منافع سیاسی و اقتصادی، و به ویژه نظامی امپریالیسم آمریکا دست نخورده باقی بماند. بیپرده نیست که به نوشته یک مجله آمریکایی، یک مقام وزارت خارجه آمریکا گفته است دولت این کشور هم با مارکوس و هم با برخی مخالفین او در تماس است. در درون حزب حاکم مارکوس، ارتش و سرمایه داران بزرگ وابسته، نیروهای بطور روزافزون به صف "ناراضیان" رسیاستهای مارکوس می‌پیوندند تا بتوانند در آینده، رژیم مارکوس را بدون شخص مارکوس سرباز بکنند. اما می‌شک، خواست مردم فیلیپین، طبقه کارگر، دهقانان و زحمتکشان شهری، که هم اکنون برای آن به پا خاسته‌اند، بسیار فراتر از مطالبات مخالفین بورژوا لیبرال مارکوس است. آنها دمکراسی واقعی، عدالت اجتماعی و محو وابستگی به امپریالیسم آمریکایی خواهند و در این راه به مبارزه ادامه خواهند داد.

(این گزارش بوسیله رفقای فدائی در فیلیپین تهیه گردیده است)

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی خود
یاری دهید!



حلبی آبادها

فقر طاقت فرسا، روستایان میهن ما را ناگزیر به ترک خانه و دیار کرده و در ابعاد میلیونی به شهرهای بزرگ و ویژه تهران مهاجرت میکنند. آنها در تهران برای تأمین سرپناهی، یا هر وسیله‌ای که بدستشان برسد، در میانها حاشیه شهر آلودگی بنا کرده و در آن ساکن میشوند. اکنون در پیرامون تهران، بویژه در غرب و جنوب حلقه ضخیمی از حلبی آبادها تنیده شده است. در جاده خراسان، جاده ورامین، جاده کرچ، جاده قم و جاده ساوه تا نزدیک رباط کریم... انبوه مترام و کثیری از محلات آلودگی نشین پدید آمده است. این محلات فاقد هر گونه امکانات رفاهی نظیر آب، برق و... میباشند. امکانات ناچیز موجود در برخی از مناطق نیز بدنبال مبارزات ممتد اهالی بدست آمده است، مبارزاتی که گهگاه خونین بود. ساکنین این محلات، کارگر کارخانه، کارگر فصلی، غروشنده، دوره گرد و... هستند. رژیم جمهوری اسلامی نه تنها از تأمین حداقل امکانات زیستی برای این زحمتکش خودداری میکند، بلکه هر روزه واحدهای تخریب شهرداری را که با نیروهای مسلح اسکورت میشوند راهی این مناطق مینماید تا با بولدور، سرپناه زحمتکشان را بران کنند. تجاوز و تعدس دی گستاخانه مامورین حکومتی تا کنون بدفعات مقاصد و جانانهای برانگیخته است. علاوه بر این حاشیه نشینان تهران مداوماً اقدامات اعتراضاتی را برای کسب امکانات رفاهی انجام میدهند. ساکنین گل شهر، شهرک مطهری، پشمبافی، باغ فیض، حاجی محمود، عبدالله آباد، ولی عصر، شاد شهر، خانه آباد و... هیچ روزی نمیشود که از پیگیری مطالبات خود فروگذارند. در جاده ساوه تقریباً هر روزه، بهمین خاطر درگیری، تظاهرات و اعتراضات انجام میشود.

پاسخ رژیم به مطالبات برحق آلودگی نشینهای حاشیه تهران، تنها گلوله و سر نیزه است. اما اگر در رژیم شاهی، نیک پی معدوم توانست با این وسائل مبارزات "خارج از محدوده" را سرکوب نماید، در رژیم جمهوری اسلامی هم ناطق نوری خواهد توانست مقاومت حاشیه نشینان تهران را درهم بشکند.

خانه از پای بست ویران است

رسوایی سیاست درمانی و پزشکی جمهوری اسلامی، بالاخره به عزل وزیر بهداشت انجامید. دست اندرکاران بی انتساب

ناپسانمانیها به بی کفایتی دکتر منافعی درصددند پای خود را از گلیم بیرون بکشند. اما حقیقت اینست که مسئولیت اینکه مادر را هر "در ۱۳۰۰ روستا یک پزشک نداریم" بر عهده همه مرتجعین حاکم است. اخبار زیر در این زمینه گویاست:

● در شهر صنعتی البرز با آن همه کارگر و سوانح حین کار، تنها یک درمانگاه وجود دارد که گهگاه یک پزشک هندی با آن سرکشی میکند. این در حالی است که از کارگران این منطقه صنعتی، ماهیانه ۸۰۶ میلیون ریال بابت حقوق بیمه گرفته میشود. این مبلغ علاوه بر سهمیه بیمه کارفرمایان میباشد.

● تعداد بسیاری از پزشکان به جرم اعتقاد به صحت مشی سازمانهای سیاسی مرفقی و مردمی در اوین و دیگر زندانهای جمهوری اسلامی زندانی هستند.

● طرح نظام پزشکی دولت از سوی قاطبه پزشکان با قاطعیت مردود اعلام شده است. حکومت با تنظیم این طرح نشان میدهد که همچنان در ادامه روشی لجاج دارد که پزشکان را میراند.

● در شهرستان گنبد تعدادی پزشک بخاطر بهائی بودن دستگیر و زندانی شدند.

● در شهر یزد مقامات روحانی شهر بی توجه به قانون نظام پزشکی، در امور این حرفه دخالت کرده و دستور میدهند که پزشک سرشناس این شهر زندانی شوند.

● یک دانشجوی ارشدی که در سال آخر دانشکده پزشکی تحصیل میکرد، اخیراً بجزرم عدم شرکت در یک جلسه کلاس ایدئولوژی برای همیشه از دانشکده اخراج شد. طلبه‌ای که مسئول این کلاس و صدور حکم اخراج بود، در پاسخ به اعتراضی میگفت شرکت در کلاس ایدئولوژی حتی بر محالجه بیماران اورژانس تقدم دارد.

● برای پرکردن خلأ حاصله از مهاجرت، اخراج و بازداشت پزشکان، اخیراً از سوی وزارت بهداشت و وزارت نفت گروه دیگری از پزشکان کم سواد از پاکستان و بنگلادش استخدام شدند. این پزشکان اجازه دارند پنجاه درصد درآمدها حاصله را به ارز معتبر به خارج کشور منتقل نمایند. استخدامهای تازه در شرایطی صورت میگیرد که عدم کارآئی این پزشکان بویژه، بخاطر نداشتن زبان فارسی، اعتراضات بسیاری را برانگیخته است.

تویوتا

تویوتا برای مردم ایران نامی آشنا و البته منحصر شده است. در کشور ما، تویوتا مترادف با سرکوب و زندان، تحقیر و توهین گردیده است. ماشینهای تویوتا، ماشینهای اکیپهای گشت ارانهای متعدد سرکوب می باشد که از رژیم در برابر مردم پاسداری میکنند. پایای گسترش دامنه سرکوب، تعداد اکیپهای گشت حکومتی و همراه با آن تعداد ماشینهای تویوتا در خیابانهای شهرهای

ایران افزایشی یابد. اخیراً با اینکه برای واحدهای سرکوب، تویوتاها ی بنزوی ۱۰۰۰ هم تهیه شده است، اما نقش انحصاری تویوتا بی خدشه مانده است. کردانندگان ارانهای سرکوب که از وسعت دامنه کار خود با خبر بودند، برای تأمین نیاز انبوه خود قرار داد پر عرض و طولی با کمپانی ژاپنی سازنده این ماشینها منعقد کردند. گفتنی می شود در تنظیم وامضای قرارداد مذکور، علاوه بر نیاز جدی حشوت، میزان رشوه کمپانی ژاپنی به دست اندرکاران ایرانی نیز دخیل بوده است. اینک در بنادر کشور تعداد کثیری از ماشینهای تویوتا در انتظار خروج صاف نشیده ماند. ساکنین مناطق مسیر بندرعباس، تهران و بندر خمینی - تهران هزارچند روز شاهد حرکت صفهای طولی این ماشینها هستند که توسط رانندگان سپاه به تهران انتقال داده می شوند.

با اینکه قرار داد خرید تویوتا از کمپانی ژاپنی به اندازه کافی گسترده است، اما همراه با گسترش مبارزه و مقاومت مردم، ردمداران رژیم دورنما را چنان می بینند که نیاز به اکیپهای سرکوب و بالطبع نیاز به تویوتا بازم افزایش بیشتری می یابد. از این رو طرحی دایر بر نصب نارخانه موتاژ تویوتا در ایران تهیه شده است. برای اجرای این طرح، امان تبدیل خط تولید کارخانه ایران ناسیونال بررسی می شود. بدنبال ایجاد اختلال در واردات مواد اولیه برای پیکان، متخصصان ژاپنی برای بررسی جوانب این طرح به تهران آمدند. همین جندی پیش بود که وزیر صنایع سننینه فته بود که صنایع ما باید به صنایع جنتی بدل شود. و البته بررسی طرح تبدیل تولیدات ایران ناسیونال به تویوتا در راستای این سیاست قرار دارد زیرا که تویوتا برای حکومت یک وسیله جنتی است، جنتی با مردم.

AKSARIYAT

NO25

MONDAY 24 SEPT 84

Address آدرس
POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W. GERMANY آلمان فدرال

P.O. BOX 101
LONDON N17 8YU
ENGLAND انگلستان

P.O. BOX 66156
LOS ANGELES, CA 90066
USA ایالات متحده

C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY ایتالیا

P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI - 110003
INDIA هندوستان

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا!